

بررسی شهر دوستدار کودک واحساس شادی کودکان در شهر مشهد

سیده مریم صفوی مقدم (کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه علمی کاربردی، مشهد،

ایران، نویسنده مسؤل)

m_safavi66@yahoo.com

محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

noghani@um.ac.ir

محمد مظلوم خراسانی (استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

mmkhorasani@um.ac.ir

چکیده

تحقیق در حوزه شهرهای دوستدار کودک، به‌طور خاص در اروپا، از سال ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفته که با هدف ایجاد فرصتی برای کودکان در راستای شکل‌دادن و یا تغییر محیط پیرامون آنها بوده است. مسأله اساسی تحقیق حاضر بررسی مفهوم شهر دوستدار کودک و ارتباط آن با احساس شادی و نشاط آنها است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری، کودکان ۹ الی ۱۲ سال شهر مشهد بوده است و نمونه‌ای با حجم ۲۵۰ نفر با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به تصادف و با دقت احتمالی مطلوب ($d=0.05$) و ضریب اطمینان ۰٫۹۵، انتخاب شده است. ابزار سنجش متغیر مستقل تحقیق، محقق ساخته و برای متغیر وابسته تحقیق از پرسش‌نامه استاندارد شده آکسفورد استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۵۰ درصد از کودکان از فضای شهر مشهد رضایت داشته و آن را مورد پسند خود دانسته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که (۰٫۳۶) از تغییرات موجود در احساس شادی کودکان، تابع متغیرهای مستقل است. این متغیرها که به ترتیب، بیشترین تأثیرگذاری را بر احساس شادی کودکان داشته‌اند؛ عبارت‌اند از: متغیرهای مشارکت اجتماعی کودکان ۰٫۴۱ درصد، احساس تعلق به شهر مشهد ۰٫۲۴ درصد، متغیر احساس امنیت ۰٫۱۱ درصد و برخورداری از خدمات و امکانات شهری ۰٫۱۲ درصد. در این مدل مشارکت اجتماعی کودک، احساس تعلق به شهر مشهد، متغیر احساس امنیت، برخورداری از امکانات و خدمات شهری، احساس شادی را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شهر دوستدار کودک، مشارکت اجتماعی کودک، احساس شادی، احساس

امنیت، احساس تعلق به شهر.

۱. مقدمه

کودکان عامل پیوند نسل‌های گذشته و آینده در هر جامعه محسوب می‌شوند. انتقال سنت‌ها، فرهنگ‌ها، اعتقادات و باورها و پیشینه‌های هویت‌بخش و در صورت لزوم، اصلاح محیط اجتماعی نیز در هر جامعه از طریق کودکان میسر است. مفهوم کودکی از منظر جامعه‌شناختی در اساس، محصول دوران مدرنیسم است. کودکان به همان اندازه‌ای که مورد غفلت بوده‌اند، به حاشیه نیز رانده شده بودند؛ به این معنا که کودکان به‌عنوان بزرگسالان آینده‌ای نگریسته می‌شدند که باید نقشی را که بزرگسالان امروزی می‌خواهند را ایفا کنند (Qvortro, 1993).

اهمیت داشتن موضوع کودک و تشویق وی به یک زندگی جمعی، زمینه‌سازی برای تعالی فکری و تربیتی او و ارتباط‌بخشیدن بین مسائل فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با تحلیل مسائلی که برای کودک به‌ویژه در ابعاد اجتماعی، مسأله مهم است که مورد توجه جامعه‌شناسان در جوامع امروزی قرار گرفته است و از نظر شهروندی و حقوق شهروندی قابل طرح است.

علی‌رغم وجود قوانین مصوب و گسترده حقوق کودک و تعمیم مصوبات اعلامیه جهانی در کشور و اقدام سازمان‌های حمایت از حقوق آن‌ها، از گذشته دور تا به امروز رعایت این حقوق برای کودکان، با ضعف روبه‌رو بوده است. صندوق کودکان سازمان ملل به‌عنوان مهم‌ترین نهاد بین‌المللی مربوط به کودکان، در حیطه وظایف محوله، با تحلیل شرایط نامناسب زیست محیطی کنونی که برآمده از فقر، آلودگی و غیره است، به دلیل تهدیدی که این شرایط نسبت به زندگی سالم و توسعه کودکان به همراه دارد آن را «اضطراب خاموش» نام نهاده و جهانیان را فراخوانده است تا از کودکان در مقابل نتایج منفی این شرایط حفاظت کنند. مفهوم شهر دوستدار کودک، در امتداد نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان است که از سال ۱۹۹۰ پیگیری می‌شود. عمده این تحقیقات در راستای دادن حق شهروندی به کودکان و رسیدگی به خواست‌ها و نیازهای آن‌ها بوده است. در این راستا، طرح‌هایی با عنوان «شهرهایی برای کودکان» و یا «شهرهایی برای دختران و پسران» تعریف شده است. این طرح‌ها بر سه فاکتور اساسی تأکید داشت: الف) برنامه‌ریزی مشارکتی که در آن کودک همانند دیگران در راستای ساختار دادن به محیط اطراف خود نقش اساسی دارد. ب) مراکز کودکان که به آن‌ها

فرصت جمع‌آوری و شکل‌دادن به خواسته‌هایشان را می‌دهد. ج) انگیزه و فرصت‌دادن به کودکان در راستای استقلال تصمیم‌گیری‌های محیطی بدون دخالت‌دادن بزرگ‌ترها (Qvortrob, 1993; UNICEF, 2005: 5-6).

اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی «شهر بندیگو»^۱ در استرالیا از طرف یونیسف به‌عنوان «شهر دوستدار کودک» و اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را به خود اختصاص داده بود، معرفی و به رسمیت شناخته شد. شهر «اوز» در استان فارس برای اولین بار در ایران، به‌عنوان شهر دوستدار کودک در سال ۱۳۸۹ انتخاب شده است.

توجه مستمر به مسائل کودکان و بازنگری در مصوبات در پرتو شرایط متحول امروز، از مهم‌ترین ضرورت‌های جهانی است. اگر صحبت از دوام و پاکی محیط زیست، در مقابل حجم روبه‌افزایش آلودگی و نظایر آن‌ها است و اگر از عدالت و برابری انسان‌ها در مقابل تبعیض و نابرابری دفاع شود، ناگزیر این مبانی باید به صورت علمی از آغاز به نسل جدید آموخته شود (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۴۸).

با اشاره‌ای به بافت‌های فرسوده ملاحظه می‌شود که در بافت‌های قدیمی جای بزهکار، معتمد محل و همچنین جای کودکان معلوم بوده است، به این معنا که همه جایگاه خود را داشته‌اند؛ ولی امروزه چنین چیزی نیست، همه چیز جابه‌جا شده است و در این جابه‌جایی کودکان، نادیده گرفته شده‌اند و جای آن‌ها در شهرها حذف شده است. شهر باید به گونه‌ای مهیا شود که نه تنها بزرگ‌سالان؛ بلکه کودکان نیز در آن احساس آرامش و امنیت و مشارکت فعال، همراه با احساس شادی و نشاط داشته باشند. گاهی به دلیل مورد غفلت واقع شدن سالمندان، معلولان، کودکان و زنان، آن‌ها از زندگی سالم و صحیح در سیستم شهری محروم می‌مانند. حذف هر کدام از سنخ‌های اجتماعی از فضاهای شهری به معنای عدم امکان برخورداری آن‌ها از حقوق شهروندی خود است و هرگونه تبعیض و اجحاف منجر به ایجاد نارضایتی و درنهایت، ناامنی و عدم تعادل اجتماعی در جامعه خواهد شد. اکثر فضاهای شهری برای کودکان نامأنوس و نیز می‌تواند تهدیدآمیز باشد. فضاهای عمومی، بازارها، پارک‌ها و

مراکز تفریحی و خرید نیز به بزرگ‌ترها تعلق دارد. اکثر کودکان شهروند کامل به حساب نمی‌آیند و از ایفای نقش فعال و سازنده در عرصه‌های اجتماعی باز می‌مانند. به هر حال، کافی نخواهد بود که جهان را «برای» کودکان تغییر دهیم. جوهر اصلی نهضت جهانی کودکان و نوجوانان در این است که جهان را «با» و «به همراه» آن‌ها تغییر دهیم. شهرداری‌ها به‌عنوان نماینده مردم شهر در نیک‌بختی و رفاه و سلامت و شادکامی آن‌ها باید نقش مؤثرتری ایفا کنند. شادابی و سرزندگی، حلقه مفقوده زندگی شهری است (بابایی، ۱۳۸۹). شهر شاد جامعه‌ای شاد و پرنشاط را به همراه خواهد داشت که این امر مهم می‌تواند راهگشای توسعه پایدار در جوامع امروزی باشد. شهر مشهد به‌عنوان یک کلان‌شهر از این امر مستثنی نیست. یکی از وظایف اساسی نهادهای اجتماعی در عرصه جامعه، تلاش برای ایجاد فضایی شاد در جامعه است. ترویج شادی در بین شهروندان و به‌خصوص کودکان در کنار فعالیت‌های آموزش شهروندی، از تأثیرگذارترین روش‌های اجرایی برای تعمیق و ترویج فرهنگ شهروندی است؛ بنابراین در این مقاله اشاره به مبحث شهر دوستدار کودک داشته و ارتباط آن با احساس شادی و نشاط در شهر سنجیده شده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. مروری بر مفهوم شهر دوستدار کودک

به گزارش یونیسف (۲۰۰۴)، امروزه میلیون‌ها نفر از کودکان شهری در فقر شدید و محیط‌های پرخطر برای زندگی به سر می‌برند، در این راستا شهرداری‌ها باید در رأس تصمیم‌گیری‌های خود به کودکان توجه کنند. در گزارشی با عنوان «فقر و محرومیت در بین کودکان شهر» کول گوتام^۱ اظهار داشت که میلیون کودک در شهرها از خدمات اجتماعی اساسی نظیر آموزش و بهداشت محروم‌اند. این کودکان مستحق زندگی در محیط ایمن هستند و به کسانی احتیاج دارند تا آن‌ها را از استثمار و سوءاستفاده‌ها محافظت کند (منشادی، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

مفهوم «شهر دوستدار کودک» به‌طور کل به این معنی است که دولت مردان چگونه این شهرها را بر- اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی کودکان مثل

سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می شود. بر این اساس، کودکان به عنوان شهروندانی تعریف شده اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودک نیست؛ بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می شود (Riggio, 2002: 46 & Aitken, Stoneham, 2008:3).

اسدی به نقل از شیعه (۱۳۸۶) معتقد است «ناآگاهی بچه ها از آنچه در محیطشان می گذرد یک فاجعه است». آن ها به عنوان اعضای رسمی و مستقل جامعه، حق دخالت و تأثیرگذاری در آن را دارند و باید نقش فعال و سازنده ای در اداره کردن امور داشته باشند. کودکان باید آزاد باشند تا از طریق اظهار نظر در سرنوشت خود و جامعه ای که در آن زندگی می کنند، سهم باشند. ویژگی های شهر دوستدار کودک به این شرح است: (UNICEF, Carci, 2004). (Aitken & Stoneham, 2008:3; 2002;

جدول ۱- ویژگی ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک

مأخذ: (Aitken & Stoneham, 2008:3 Carci 2004, UNICEF, 2002)

ردیف	ویژگی ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک
۱.	کودک در تصمیمات مربوط به شهر تأثیرگذار است.
۲.	تأثیر تصمیم گیری در مورد شهر و اظهار نظر خود را درباره آن.
۳.	عقایدش را در مورد آنچه از شهر می خواهد بیان می کند.
۴.	شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی شامل رویدادهای فرهنگی واجتماعی.
۵.	دریافت خدمات اساسی؛ مانند مراقبت های بهداشتی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی.
۶.	آب سالم می آشامد و به فاضلاب مناسب دسترسی دارد.
۷.	در مقابل بهره جویی، خشونت و آزار محافظت شده است.
۸.	با ایمنی در خیابان ها و با استقلال خودش راه می رود.
۹.	از فضاهای سبزی که در آن گیاه و حیوانات وجود دارد، بهره مند است.
۱۰.	زندگی در محیط سالم و عاری از آلودگی.
۱۱.	ملاقات با دوستان و بازی با آنها.
۱۲.	احساس تعلق و اتصال به اجتماع.

بر این اساس، درباره شهر مورد پسند کودک نکات زیر مورد توجه قرار می گیرند:

س ایمنی و امنیت کودکان

س احساس احترام و ارزش داشتن کودک

س سلامت کودکان

س تحرک مستقل و آزادانه

س دسترسی به خدمات و فعالیت‌های متنوع

س فرصت‌های اکتشافی بازی و تماس با طبیعت و فضای سبز

۲.۲. نقش فضای سبز در شهرهای دوستدار کودک

کودکان ذاتاً موجوداتی زیست‌دوست و طبیعت‌خواه متولد می‌شوند، این را به‌خوبی از حس کنجکاوی آن‌ها در مواجهه با طبیعت و درگیری بی‌باکانه‌شان می‌توان مشاهده کرد (فرح پور، ۱۳۸۸: ۸۰). تحقیقات مختلفی در خصوص تأثیرات مؤثر فضای سبز بر شاخصه‌های مختلف رفتاری کودکان وجود دارد. محیط‌ها و فضای باز (مانند فضای سبز) در ادراکات و رفتارهای کودکان و تأمین رشد و خلاقیت آن‌ها نقش بسزایی دارد (مظفر و حسینی، باقری، عظمتی، ۱۳۸۶). تحقیقات مختلف دیگر اشاره به این نکته دارد که فضای سبز مدارس از موضوعات بسیار مهم در شهر دوستدار کودک هستند (یونیسف، ۱۰۰۵: ۲۴). از این رو، توجه به فضای سبز و ایده‌های طراحی آن از نگاه کودکان از اهداف مورد نظر در پروژه‌های دوستدار کودک است (کامل نیا، ۱۳۸۸: ۷۹). برخی از شاخصه‌های مورد توجه در طراحی شهر دوستدار کودک عبارت است از:

جدول ۲- شاخصه‌های شهر دوستدار کودک

مأخذ: (Corsi, 2002: 17)

محیطی	فرهنگی	سازمانی
۱. کم‌کردن آلودگی‌های محیط زیست ۲. هدایت اکولوژیک زباله‌های خشک شهری (مدیریت پسماند) ۳. کارکرد و دسترسی فضایی و ارتقای فضاهای سبز ۴. تغییر نوع ارتباط میان موجودات زنده و محیط زیست ۵. تشویق به تغییر	۱. تشویق گرامی داشت وقایع فرهنگی، برگزاری جشن‌ها و نمایشگاه ۲. تقویت کردن مکان‌های تاریخی فرهنگی و میراث فرهنگی شهرها، سرمایه‌گذاری در شناساندن مشاهیر و تاریخچه شهر	۱. تعهد داشتن به حقوق کودکان ۲. مشارکت کودکان ۳. آموزش و پرورش ۴. خدمات رفاهی، اجتماعی و بهداشتی ۵. سازمان‌دهی مدیریت‌ها

در سال ۱۹۹۸ وزارت محیط ایتالیا در شهر فانو ابتکار ایجاد شهر دوستدار کودک را مطرح کرد که در آن به اهمیت فضای سبز و نقش آن پرداخته است و تلاشی بوده است در جهت توجه به نیازهای کودکان و گامی در جهت ارتقای کیفیت زندگی شهری بوده است (Unicef, 2002, 2005 & Corsi). بررسی و تحلیل نظریه‌های مربوط به طرح‌های دوستدار کودک نشان می‌دهد که توجه به فضای سبز شهری و بالابردن میزان آن به‌عنوان یکی از فاکتورهای اصلی در طراحی با این رویکرد است؛ بهبود مشارکت اجتماعی کودک در تصمیم‌گیری و طراحی از طریق انجمن‌ها و کنفرانس‌ها است که می‌تواند احساس تعلق کودکان به شهر خود را افزایش دهد. همچنین، ارتقای فضای سبز در شهرها موجب به‌وجود آمدن بسترهای مشارکتی میان کودکان و دیگر گروه‌های سنی در جامعه می‌شود (کامل‌نیا، ۱۳۸۸: ۷۹).

با توجه به مباحث مطرح‌شده در مورد شهر دوستدار کودک، نتیجه حاصل می‌شود که مفهوم مشارکت اجتماعی، امنیت، حس تعلق به شهر و برخورداری از امکانات شهری قابل بحث و بررسی است. تحقیقات صورت‌گرفته توسط کارن مالون (۲۰۰۹) در ولنگونگ، اشاره به این نکته دارد که شهر و شهرستان‌ها باید مکانی برای معاشرت، مشاهده و یادگیری عملکرد و هنجارهای جامعه برای کودکان باشند، مکانی که کودکان در آن بتوانند در طبیعت اکتشاف کنند و همچنین ارتباط با بزرگسالان و معاشرت با آن‌ها که کودک را تشویق به اکتشاف و جستجو درباره جهان داشته باشند. در پژوهشی ریچارد لو (۲۰۰۶) به عدم تعامل با طبیعت و ارتباط آن با سطوح بالاتری از افسردگی، استرس و اضطراب که در کودکان همراه است، اشاره کرده است. تیم پریو (۲۰۰۶) با انجام یک مطالعه که در آن کودکان ۱۰-۱۲ سال و والدین آن‌ها (۶۷۷ خانواده در ویکتوریا) در مورد بزرگ‌ترین نگرانی‌هایشان مورد پرسش قرار گرفتند، در مورد کودکان، رفت‌وآمد در خیابان‌ها، خطر غریبه و ایمنی جاده‌ها، بالاترین نگرانی آن‌ها بود و ترافیک سنگین، سومین نگرانی آن‌ها بود. در تحقیق دیگری که توسط لئونارد (۲۰۰۷) صورت گرفته است، اشاره به ایمنی و امنیت کودک در فضای شهر (پارک‌ها، خیابان‌ها و غیره) و محیط‌های پرمخاطره داشته است. ایمنی کودکان به‌عنوان یکی از نگرانی‌های غالب در جوامع پدید آمده است. در تحقیق دیگری توسط ریگیو در سال (۲۰۰۲)، مقاله‌ای درباره شهرهای دوستدار کودک، امکانات، بودجه و مؤسسات قانونی مورد نیاز و

این که چگونه مفهوم شهر دوستدار کودک، گسترش یافته، اشاره داشته است. با توجه به این نکته که از مفاد اساس نامه حقوق کودک و (cfc)، مشارکت کودکان و امنیت در فضای شهر از مؤلفه-های کلیدی و توسعه پایدار در شهر و جوامع امروزی مطرح است. در واقع، فضای شهری بازتابی از فرهنگ جامعه است، به طور کلی، شهرها در روند اجتماعی شدن افراد نقش بسزایی دارند. اگر مشارکت کودکان در شهرها مورد توجه قرار گیرد، می توان انتظار داشت که در مقابل، حس تعلق آن ها به محل سکونتشان نیز افزایش یافته و آن ها خود را جزئی از یک کل تصور کنند و احساس تعهد و تعلق به شهر خود داشته باشند و می توان بیان کرد اگر شهری سالم و ایمن داشته باشیم، می توان شادی و توسعه پایدار را برای آینده آن جامعه رقم زد. جامعه ای که افراد شاد داشته باشد و تمام افراد احساس آرامش و نشاط داشته باشند، به همان میزان، توسعه به همراه آن جامعه، رشد خواهد کرد. از عهد باستان به احساسات مثبت انسان از جمله نشاط و شادی توجه شده است. علمای بزرگ یونان باستان همچون سقراط، افلاطون و ارسطو نشاط را با سلامتی، ثروت و وقایع زندگی روزمره مرتبط دانسته اند و معتقد بودند شادی و نشاط مربوط به یک لحظه از زمان نیست؛ بلکه مربوط به کل زندگی است (جعفری، سیادت، بهادران، ۱۳۸۷). هیلز و آرگایل^۲ (۲۰۰۱) بر این باورند که هنگامی که از مردم پرسیده می شود که منظور از شادکامی چیست، آن ها دو نوع پاسخ را مطرح می کنند.

الف) ممکن است حالات هیجانی مثبتی؛ مانند لذت را بیان کنند.

ب) راضی بودن از زندگی به طور کلی و یا بیشتر جنبه های آن را شادکامی بدانند.

در تعریف نشاط آن را دارای اجزای مختلف دانسته اند. یکی از این اجزا این است که برای آن وجه زمانی قایل اند و آن را در لحظه ای از زمان و یا در طول زندگی ارزیابی می کنند. در بعضی از موارد ارزیابی رضایت فرد از زندگی را می توان ملاک ارزشیابی نشاط و شادابی او قلمداد کرد و آن را درجه ای از کیفیت زندگی دانست که افراد آن را به طور کلی مثبت ارزیابی می کنند. پژوهش های راجع به کیفیت زندگی به دنبال تعریف زندگی خوب است.

1. Child Friendly City
2. Hills, Peter & Michael Argyle

نشاط و شادابی کودکان در گروه فضاهای عمومی جذاب، مطلوب و شاداب است که در حال حاضر، اکثر کودکان محیط فیزیکی و فضای اجتماعی شهر را ملال آور، کسالت بار و بدون تحرک، پویایی، شادی و شادمانی و در برخی مواد خفقان آور می دانند (جعفری، سیادت، بهادران، ۱۳۸۷: ۳۲).

تحقیقات نشان می دهد که شادی، صرف نظر از چگونگی کسب آن، می تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می کنند، آسان تر تصمیم می گیرند، روحیه مشارکتی دارند و نسبت به کسانی که با آن ها زندگی می کنند، بیشتر احساس رضایت می کنند (مایرز، ۲۰۰۲).

جدول ۳- چارچوب نظری

توضیحات	نظریه پردازان	رویکرد نظری
«شهر دوستدار کودک» به این معنی است که دولت مردان چگونگی این شهرها را بر اساس علایق بچه ها اداره می کنند و نیز شهرهایی که حقوق اساسی کودکان مثل سلامت، حمل و نقل، حمایت اجتماعی، آموزش و فرهنگ رعایت می شود شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای کودکان نیست بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می شود.	Carci (۲۰۰۲) Aitken Stoneham (۲۰۰۸)	شهر دوستدار کودک
وایت به عنوان جامعه شناس معتقد بود مردم عادی شهر نباید اجازه دهند تا اماکن عمومی در اختیار بزهکاران قرار گیرد. هر چقدر تعداد مردم در این اماکن بیشتر باشد، بزهکاران کمتر ظاهر خواهند شد. در بسیاری از شهرها پارکها از حالت مکان عمومی خارج گشته و به فضایی در اختیار بزهکاران قرار گرفته است. او معتقد بود اگر در مراکز عمومی تعداد زیادی از زنان و دختران وجود داشته باشد، نشان دهنده این است که مدیریت خوبی	وایت (۱۹۸۸)	فضای شهر و امنیت
کاملیو سیتیه معتقد بود شهر باید حافظ منافع و ضامن خوشبختی ساکنانش باشد. در واقع پارکها و فضاهای عمومی شهر نقش سوپاپ اطمینان را ایفا می کنند زیرا در این مکانها طبقات و قومیت های مختلف با هم ادغام می شوند. پارکها همچنین نقش هماهنگ کننده رفتار مردم را دارند.	کاملیو سیتیه (۱۹۰۳)	

از نظر او عناصر اساسی شهر عبارتند از: مردم، خیابانها، پارکها، محلهها، دولت و اقتصاد. این عناصر نمی‌توانند بدون یکدیگر پیوند و رابطه نزدیکی دارند. مهمترین رکن یک شهر، خیابانهای آن است. اگر خیابانها جالب و پاکیزه باشند، شهر زیبا به نظر می‌آید و برعکس، زمانی شهر امن است که خیابانها و پیاده‌روهای آن امن باشند. شهر مملو از غریبه‌هاست و مهم این است که فرد در میان تمام آنها احساس امنیت کند.	جین جیکبز (۱۹۶۱)	
مشارکت اجتماعی کودکان را کلید توسعه مشارکت در جامعه می‌داند و معتقد است، چنانچه الگوی مشارکت آنها دچار تحول شود، الگوی مشارکت جامعه نیز متحول خواهد شد. مدرسه را بهترین مکانی می‌داند که می‌توان در آن مشارکت اجتماعی را به کودکان آموزش داد.	راجر هارت (۱۹۳۷)	مشارکت اجتماعی کودک
از نظر هیومن (۱۹۹۲) حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان وحدت به وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد تا حس مکان را ایجاد کند. این نوع حس مکان می‌تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد.	هیومن (۱۹۹۲)	
حس مکان به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند.	برینگرهوف (۱۹۹۴)	حس تعلق به مکان
تعلق مکان را، رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی می‌دانند، احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تلاوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد در این حالت، اهمی نقشی برای مکان در ذهن متصور می‌سازد که مکان را برای وی با اهمیت و محترم متجلی می‌سازد.	روانشناسان محیطی	
سقراط، افلاطون و ارسطو نشاط را با سلامتی، ثروت و وقایع زندگی روزمره مرتبط دانسته‌اند و معتقد بودند شادی و نشاط مربوط به یک لحظه از زمان نیست؛ بلکه مربوط به کل زندگی است.	سقراط افلاطون	
تحقیقات نشان داده است افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری میکنند. آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، روحیه مشارکتی بیشتری دارند. هلیز و آرگایل (۲۰۰۱) معتقدند که یک همبستگی قوی، بین شادی و پرونگرایی وجود دارد. آرچل و کروسلند (۱۹۸۷) بیان کرده اند که نشاط دارای سه شاخص عاطفه مثبت یا خوشی، احساس رضایت از زندگی و فقدان احساس منفی از نظر اضطراب و افسردگی است.	هلیز و آرگایل (۲۰۰۱) آرچل و کروسلند (۱۹۸۷)	شادی

۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، پیمایشی است. برای سنجش متغیر وابسته از پرسش‌نامه استاندارد شده آکسفورد استفاده شده که روایی و پایایی آن، توسط سایر محققان تأیید شده است. در پرسش‌نامه شادی آکسفورد در بررسی فارنهایم و بروینگ (۱۹۹۰)، آلفای ۰٫۸۷ را برای ۱۰۱ آزمودنی به دست

آورده است. برای سنجش متغیر مستقل نیز از پرسش نامه استاندارد شده^۱ دیگری استفاده شده است. در نهایت، بر پایه اهداف و متغیرهای تحقیق، سؤالات دیگری نیز اضافه شده است. در این پژوهش برای کسب روایی^۲، از اعتبار صوری استفاده شده است و ارزیابی میزان پایایی پرسش نامه، ضریب آلفای کرونباخ متغیر وابسته تحقیق ۰,۸۱ بوده است. جامعه آماری، کودکان «۹ تا ۱۲ سال» شهر مشهد بوده که از داخل آن نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر انتخاب شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به یافته‌های پژوهش ۵۹,۶ درصد از کودکان پسر و ۴۰,۴ درصد آن‌ها کودکان دختر بودند. در جداول زیر آماره‌های شاخص‌های پژوهش مطرح شده است.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی شاخص مشارکت اجتماعی کودکان در شهر مشهد

مشارکت اجتماعی کودک	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
زیاد	۱۸۶	۷۴,۴	۸۱,۹	۸۱,۹
متوسط	۳۸	۱۵,۲	۱۶,۷	۹۸,۷
کم	۳	۱,۲	۱,۳	۱۰۰,۰
کل	۲۲۷	۹۰,۸	۱۰۰,۰	
بی پاسخ	۲۳	۹,۲		
کل	۲۵۰		۱۰۰,۰	
شاخص مشارکت اجتماعی کودک	میانگین (۱-۱۰۰)		انحراف معیار	
	۷۸,۷۵		۱۸,۱۶	

در جدول فوق ملاحظه می‌شود ۷۴,۷ درصد از کودکان شهر مشهد، در سطح زیادی مشارکت اجتماعی داشته‌اند و ۱,۲ درصد از کودکان در حد کم مشارکت اجتماعی داشته‌اند و ۱۵,۲ درصد از کودکان نیز به‌طور متوسط در مسائل شهری و اجتماعی مربوط به محیط خود مشارکت اجتماعی داشته‌اند.

1. www.Child Friendly City.org
2. validity

میانگین شاخص مشارکت اجتماعی (۷۸,۷۵) بوده که از حد متوسط بالاتر است که نشان‌دهنده میزان مشارکت بالای کودکان در شهر مشهد است و رابطه در سطح ۰,۱ درصد معنی‌دار بوده است ($\text{sig}=0.07$)

جدول ۵- شاخص احساس تعلق کودک به شهر مشهد

احساس تعلق به شهر مشهد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
زیاد	۱۲۱	۴۸,۴	۵۱,۵	۵۱,۵
متوسط	۹۵	۳۸,۰	۴۰,۴	۹۱,۹
کم	۱۹	۷,۶	۸,۱	۱۰۰,۰
کل	۲۳۵	۹۴,۰	۱۰۰,۰	
کل	۲۵۰		۱۰۰,۰	
شاخص تعلق به شهر مشهد	میانگین (۰-۱۰۰)		انحراف معیار	
	۶۶,۸۵		۲۲,۱۰	

با توجه به جدول فوق ملاحظه می‌شود، ۵۱,۵ درصد از کودکان مشهدی بیان داشته که در حد زیادی احساس تعلق به شهر مشهد دارند و خود را جزئی از شهروندان شهر می‌دانند و ۸,۱ درصد از آن‌ها در حد کمی احساس تعلق به شهر مشهد داشته و حتی حاضرند با فراهم شدن شرایط بهتر شهر مشهد را ترک کنند. همچنین، آزمون t نشان داده که میانگین شاخص تعلق کودک به شهر مشهد از حد متوسط بالاتر (۶۶,۸۵) و در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ درصد بوده است ($\text{sig}=0.00$).

جدول ۶- شاخص امنیت کودک در شهر مشهد

امنیت کودک در شهر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
زیاد	۳۷	۱۴,۸	۱۶,۳	۱۶,۳
متوسط	۱۲۵	۵۰,۰	۵۵,۱	۷۱,۴
کم	۶۵	۲۶,۰	۲۸,۶	۱۰۰,۰
کل	۲۵۰		۱۰۰,۰	
شاخص احساس امنیت	میانگین (۰-۱۰۰)		انحراف معیار	
	۵۹,۲۶		۲۷,۸۸	

با توجه به یافته‌های جدول فوق که از ترکیب گویه‌های امنیت کودک در شهر مشهد است، ۵۵,۱ درصد از کودکان به‌طور متوسط در شهر احساس امنیت داشته و ۱۶,۳ درصد نیز اعلام کرده‌اند که

امنیت در شهر مشهد زیاد است و همچنین، ۲۸،۶ درصد از کودکان در فضاهای عمومی شهر احساس ناامنی می‌کنند و بیان کرده‌اند که امنیت در شهر مشهد کم است. نتیجه آزمون t نشان داده که میانگین شاخص احساس امنیت کودک در شهر از حد متوسط کمتر بوده است (۵۸،۳۳) و رابطه در سطح معنی‌داری بوده است ($\text{sig} = 0.00$).

جدول ۷- شاخص ارزیابی از برخورداری از امکانات و خدمات در شهر مشهد

فراوانی تجمعی	درصد معتبر	درصد فروانی	فراوانی	برخورداری کودکان از امکانات و خدمات در فضای شهر مشهد
۳۳،۷	۳۳،۷	۲۶،۸	۶۷	زیاد
۸۷،۹	۵۴،۳	۴۳،۲	۱۰۸	متوسط
۱۰۰،۰	۱۲،۱	۹،۶	۲۴	کم
	۱۰۰،۰		۲۵۰	کل
	انحراف معیار	میانگین (۱۰۰-۰)		شاخص برخورداری از امکانات شهری
	۲۰،۵۱	۵۸،۳۳		

با توجه به یافته‌های جدول فوق ۵۴،۳ درصد از کودکان به‌طور متوسط بیان کرده‌اند که از امکانات و خدماتی در مشهد برخوردارند و در مقابل ۱۲،۱ درصد بیان کرده‌اند که امکانات در شهر مشهد برای کودکان کم است. نتیجه آزمون t نشان داده که میانگین شاخص برخورداری از امکانات شهری نیز (۵۸،۳۳) بوده که از حد متوسط کمتر بوده است و رابطه در سطح ۰،۰۱ درصد معنادار بوده است.

جدول ۸- شاخص احساس شادی کودک

فراوانی تجمعی	درصد معتبر	درصد فروانی	فراوانی	احساس شادی و نشاط
۵۱،۰	۵۱،۰	۳۱،۲	۷۸	زیاد
۹۶،۷	۴۵،۸	۲۸،۰	۷۰	متوسط
۱۰۰،۰	۳،۳	۲،۰	۵	کم
	۱۰۰،۰	۶۱،۲	۱۵۳	کل
		۳۸،۸	۹۷	بی‌پاسخ
	۱۰۰		۲۵۰	کل
	انحراف معیار	میانگین (۱۰۰-۰)		شاخص احساس شادی
	۱۹،۱۰	۶۸،۰۲		

شاخص احساس شادکامی کودکان بیانگر این است که ۵۱ درصد کودکان شهر مشهد که در حد زیاد احساس شادی و نشاط داشته‌اند و ۳۳٫۳ درصد از کودکان در حد کم و ۴۵٫۸ درصد از کودکان به‌طور متوسط احساس شادی و نشاط داشته‌اند. نتیجه آزمون t نشان داده که میانگین شاخص احساس شادی نیز (۶۸٫۰۲) بوده که از حد متوسط بالاتر بوده است و رابطه در سطح ۰٫۰۱ درصد معنادار بوده است.

جدول ۹- مقایسه میانگین شاخص کمی احساس امنیت در بین دختران و پسران

جنسیت	میانگین ۱۰۰-۰	خطای استاندارد	میانگین خطای استاندارد
دختر	۴۳٫۹۳	۲۰٫۶۰	۲٫۱۳
پسر	۵۹٫۹۴	۱۷٫۳۹	۱٫۵۰

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، میانگین احساس امنیت در پسران بیشتر از دختران است (۵۹٫۹۴ درصد در برابر ۴۳٫۹۳). مقایسه خطای میانگین نیز حاکی از آن است که مقدار این شاخص در بین دختران بیشتر از پسران است (۲٫۱۳ در برابر ۱٫۵).

جدول ۱۰- مقایسه میانگین شاخص احساس شادی در بین دختران و پسران

جنسیت	میانگین ۱۰۰-۰	خطای استاندارد	میانگین خطای استاندارد
دختر	۶۶٫۷۳	۲۰٫۴۲	۲٫۲۸
پسر	۶۸٫۹۵	۱۸٫۱۱	۱٫۷۲

جدول فوق نشان می‌دهد، میانگین احساس شادی در بین دختران و پسران با اندکی تفاوت (حدود ۲ درصد) است. دختران ۶۶٫۷۳ درصد احساس شادی داشته و پسران ۶۸٫۹۵ درصد احساس شادی داشته‌اند.

رگرسیون خطی چندگانه

جدول ۱۱- ضرایب همبستگی و ضریب تعیین

آماره دوربین-واتسون	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین R ²	ضریب همبستگی R
۱٫۷۸	۰٫۳۴۶	۰٫۳۶۶	۰٫۶۰ ^a

a. متغیرهای پیش‌بین (امنیت کودک، مشارکت اجتماعی، برخورداری از امکانات شهری، احساس تعلق به شهر مشهد)

b. متغیر وابسته (احساس شادکامی)

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیونی، ضریب همبستگی چندگانه در این تحقیق ($r = 0,60$) بوده است. بررسی متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مستقل (احساس امنیت، تعلق به شهر، برخورداری از امکانات شهری، مشارکت اجتماعی) نقش تبیین‌کننده‌ای در متغیر وابسته (احساس شادکامی) دارند. ملاحظه می‌شود که این سه متغیر به میزان ($0,60$) با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین^۱ حاصل نیز بیانگر آن است که $0,36$ از تغییرات موجود در احساس شادی کودکان، تابع متغیرهای مستقل مزبور است. از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون به 2 نزدیک است می‌توان اطمینان داشت که پیش فرض استقلال باقی‌مانده‌ها نیز در تحلیل رگرسیونی حاضر رعایت شده است.

جدول ۱۲- متغیرهای مستقل واردشده در رگرسیون و ضرایب تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته (احساس شادی)

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد رگرسیون (Beta)	کمیت t	سطح معنی داری Sig
مقدار ثابت		۳,۵۴۵	۰,۰۰۱
مشارکت اجتماعی کودک	۰,۴۱۵	۵,۵۳۷	۰,۰۰۰
احساس تعلق به شهر در کودکان	۰,۲۴۷	۲,۷۵۳	۰,۰۰۷
احساس امنیت کودک در شهر	۰,۱۱۴	۱,۶۰۵	۰,۱۱۱
برخورداری از امکانات شهری	۰,۱۲۲	۱,۴۷	۰,۱۴۳

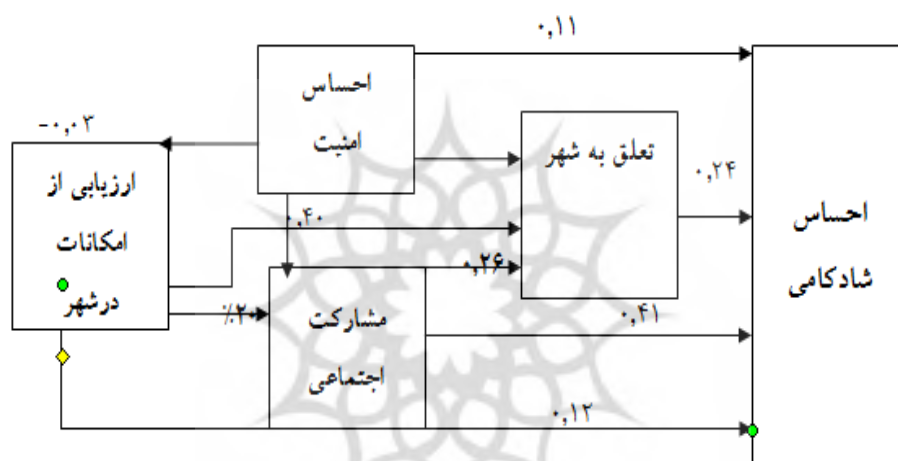
متغیر وابسته: احساس شادی

نتایج مندرج در جدول بالا شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل را بر وابسته نشان می‌دهد. متغیرهای مستقل (مشارکت اجتماعی، امنیت، تعلق به شهر مشهد، برخورداری از امکانات شهری) وارد معادله رگرسیون شده‌اند. نتایج Beta (ضرایب استاندارد رگرسیون) حاکی از آن است که بیشترین تأثیری که بر روی متغیر وابسته بوده، متغیرهای مشارکت اجتماعی کودکان به میزان ($0,41$) و احساس تعلق به شهر مشهد ($0,24$) است که در جهت مثبت تأثیرگذار است. متغیر احساس امنیت نیز دارای تأثیر بوده ($0,11$) و جهت آن مستقیم بوده است و متغیر برخورداری از امکانات شهری نیز

(۰,۱۲) بوده است. در واقع، متغیرهای (مشارکت اجتماعی، احساس تعلق به شهر، احساس امنیت و برخورداری از امکانات شهری) تأثیرگذار بر روی احساس شادی کودکان بوده است. در واقع، سطح معنی داری این دو متغیر که در ابتدا آورده شده است ($\text{sig} = 0.001$)، قابلیت تعمیم بخشی به جامعه آماری را نشان می‌دهد.

تحلیل مسیر

جدول ۱۳- تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق



با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مسیر ملاحظه می‌شود که احساس امنیت به میزان ۰,۱۱ درصد و در مسیر مستقیم تأثیرگذار بر احساس شادمانی است و تعلق به شهر ۰,۲۴ و مشارکت اجتماعی ۰,۴۱ در مسیر مستقیم و تأثیرگذار بر احساس شادکامی است. احساس امنیت نیز در یک رابطه غیرمستقیم (۰,۲۴) از طریق متغیر تعلق به شهر، نیز دارای تأثیر بوده و همچنین امنیت در یک رابطه غیرمستقیم از طریق مشارکت اجتماعی (۰,۱۲) نیز دارای تأثیر بوده است. برخورداری از امکانات شهری نیز در یک رابطه غیرمستقیم از طریق مشارکت اجتماعی (۰,۱۲) تأثیرگذار بر احساس نشاط بوده است. همچنین مشارکت اجتماعی به طور غیرمستقیم از طریق احساس تعلق به شهر (۰,۲۶)، بر نشاط و شادی کودکان تأثیرگذار بوده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رویکردهای نوینی که در قسمت مبانی نظری مطرح شد، موضوع جدیدی برای اجرای برنامه-ریزی‌هایی مبتنی بر «شهر دوستدار کودک» است. اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی شهر بندیکو در استرالیا از طرف یونسف به‌عنوان شهر دوستدار کودک و اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را دارا بوده، معرفی و به رسمیت شناخته شد. در این شهر حقوق کودکان به-عنوان اولویت اصلی و اساسی در تمام رویکردها مورد توجه قرار دارد. از نظر زمانی حدود یک دهه از گسترش اصطلاح شهر دوستدار کودک (CFC) می‌گذرد، از این رو، هنوز پژوهش‌های بیشتری جهت تحقق شهر دوستدار کودک نیازمند است. توجه به شاخص‌های شهر دوستدار کودک در ارتباط با محیط‌های دوستدار کودک به‌ویژه در پروژه‌هایی که با اهداف مشارکت کودکان و توجه به نیازها و خواست‌های آنها همگام است، می‌تواند علاوه بر فراهم کردن محیطی منطبق بر خواسته‌های کودکان، با ایجاد فرصت مشارکت به کودکان و تخصیص نقش اجتماعی به آنها، موجب افزایش آگاهی‌های اجتماعی و توسعه مشارکت واقعی و خلاق در جامعه باشد. در این راستا، شهرداری مشهد باید هر-چه‌بیشتر، مسیر اجرایی و عملیاتی شهر دوستدار کودک را با تأکید بر همکاری بین‌سازمانی و افزایش مشارکت شهروندان و به‌ویژه کودکان تحقق بخشد.

هارت (۱۹۹۳) حضور و مشارکت کودکان را کلید توسعه جامعه می‌داند و معتقد است چنان-چه الگوی مشارکت آنها دچار تحول شود، الگوی مشارکت جامعه نیز متحول خواهد شد. گسترش مشارکت آنها تنها به منظور جلوگیری از بی‌تفاوتی آنها یا کاهش دادن جرم و ویرانگری نیست؛ بلکه مشارکت دادن کودکان و نوجوانان در اداره امور جامعه می‌تواند به ایجاد حس مسئولیت برای حفاظت از دستاوردهای طرح‌هایی که کودکان در آن مشارکت دارند و از نتایج آن بهره می‌برند، باشد و حقوق دیگران را شناسایی و محترم شمرده و همچنین ارتقای مهارت‌های اجتماعی و فردی از طریق مشارکت در طرح‌های واقعی را یاد بگیرند. همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، تحلیل رگرسیون مشخص می‌کند که متغیر مشارکت اجتماعی کودکان به میزان (۰,۴۱) درصد بر احساس شادی کودک تأثیرگذار است. معماری شهرها براساس اصول زیبایی‌شناسانه بزرگسالانه

شکل گرفته و هدف آن ارتقای کیفیت زندگی شهروندانی است که کودکان عمدتاً در شمول آن نیستند و بر این اساس حتی سؤال از این که جایگاه کودک در شهر چیست و دیدگاه کودکان در خصوص شهر چگونه است، سؤالاتی فاقد معنا و قابل درک تلقی شده؛ بنابراین اغلب ایجاد و توسعه فضاهای شهری در غیاب هرگونه برداشت شهروندی از کودک انجام می‌شود، اگر هم جایی برای آسایش و شادمانی باشند، بدون شک بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌های کسانی طراحی شده است که کودک نیستند، همه این اتفاقات در حالی رخ می‌دهند که کودکان وجود دارند و بزرگ‌ترین سنخ جمعیتی جوامعی مثل جامعه ما را تشکیل می‌دهند. براساس فرضیه‌ای که مطرح شد، متغیر بر خورداری از امکانات شهری نیز (۱۲، ۰) درصد بر شادی و نشاط کودک در شهر مشهد تأثیرگذار بوده است.

شاید بی‌راه نباشد که وضعیت کودکان و نوجوانان را در دنیای مدرن مشابه وضعیتی تلقی کنیم که فوکو برای دیوانگی و دیوانگان به تصویر کشیده است. اگر استیلائی گفتمان عقلانیت، دیوانگان را از جامعه جدا و در دارالمجانینی جدا از جامعه و شهر زندانی کرد، استیلائی گفتمان بزرگسالی نیز کودکان و نوجوانان را به بهانه‌هایی همچون نادانی، ناتوانی و مهم‌تر از همه شرارت، از عرصه‌های حیات اجتماعی جدا کرد و در محیط‌های محافظت‌شده‌ای نظیر مهدکودک‌ها و مدارس و غیره تحت کنترل گرفت. کودکان تقریباً هیچ جایگاهی در ذهنیت نظام برنامه‌ریزی شهری کشور ندارند. این وضعیت به نحوی بارز است که برخی از صاحب‌نظران برآنند که وضعیت کودکان و نوجوانان در دوران ماقبل مدرن به مراتب، بهتر از دوره مدرن بوده است. آن‌ها معتقدند که رهاورد مدرنیته برای کودکان و نوجوانان فقط محدودیت بیشتر بوده است.

در قرن حاضر فضاهای شهری تبدیل به یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت شهرها شده و مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده‌اند. بسیاری از کارشناسان معتقدند شهرها برای این که ایمن باشند باید برای همه گروه‌های سنی ساخته شوند و برنامه‌ریزان شهری باید تفاوت‌های سنی و جنسیتی را در ساخت‌وساز مورد توجه قرار دهند، درحالی که جامعه ما روزبه‌روز شهری می‌شود، باید به نیازهای ملموس و محسوس شهروندان نیز با تأکید بر جمعیت، سن و طبقه توجه کرد. ساخت‌وساز و برنامه‌ریزی‌های شهری نه تنها می‌تواند شرایط نابرابری اقتصادی را مهیا کند؛ بلکه

اقتدار مختلف جامعه را نیز در استفاده از فضاهای عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که گاهی به دلیل نبود توجه کافی، سالمندان، معلولان، کودکان و زنان از زندگی سالم و صحیح شهری محروم می‌مانند. حذف هر کدام از سنخ‌های اجتماعی از فضاهای شهری به معنای عدم امکان برخورداری آن‌ها از حقوق شهروندی‌شان است و هرگونه تبعیض و اجحاف منجر به ایجاد نارضایتی و درنهایت، ناامنی و عدم تعادل اجتماعی در جامعه خواهد شد. باتوجه به فرضیه تحقیق خود آشکار می‌شود که احساس امنیت کودک در شهر مشهد به میزان (۱۱,۰) درصد بر نشاط کودکان تأثیرگذار بوده و توانسته احساس شادی کودک را پیش‌بینی کند.

امروزه به دلایل گوناگون تأمین نشاط، شادی و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است. تأمین سرزندگی شهری نیز به‌مثابه آرمانی مشروع در صدر بسیاری از اسناد رسمی شهرسازی مشاهده می‌شود که خود، برخاسته از اهمیت سرزندگی شهر به‌مثابه یک هدف و یک وسیله است.

در تحقیق حاضر به این مسأله پرداخته شد که شهر مشهد تاچه اندازه مورد پسند کودکان بوده است و این دوستدار بودن چه میزان بر احساس شادی آن‌ها تأثیرگذار بوده است. براساس شاخص رضایت کودک از فضای شهر مشهد مشاهده شد که ۵۰ درصد از کودکان از شهر مشهد رضایت داشته و آن را مورد پسند خود دانسته‌اند. با توجه به هدف اصلی تحقیق که به بررسی رابطه بین شهر دوست‌داشتنی کودک و احساس شادی کودکان پرداخته شد، ملاحظه می‌شود که ۳۱ درصد همبستگی بین مؤلفه‌های شهر دوستدار کودک واحساس شادی وجود دارد و با توجه به مثبت و مستقیم بودن رابطه می‌توان نتیجه گرفت هرچه شهر برای کودکان مورد پسند و دوستدار آن‌ها باشد، به همان میزان شادی و نشاط کودکان در شهر نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۹,۶ درصد از کودکان پسر و ۴۰,۴ درصد دختر بوده‌اند. براساس شاخص مشارکت اجتماعی، ۷۴,۷ درصد از کودکان در شهر مشهد، مشارکت اجتماعی بالایی داشته‌اند.

۵۱,۵ درصد از کودکان در حد زیادی احساس تعلق به شهر مشهد داشته و خود را جزئی از شهروندان شهر می‌دانند و تمایل به جابه‌جایی به شهرهای دیگر را ندارند و ۸,۱ درصد از کودکان نیز در حد کمی تعلق به شهر مشهد داشته و با فراهم شدن شرایط شهر مشهد را ترک خواهند کرد. ۵۵,۱ درصد از کودکان به‌طور متوسط در شهر مشهد احساس امنیت داشته و بیان کرده‌اند که شهر مشهد به‌طور متوسط امن تلقی می‌شود و ۱۶,۳ درصد نیز اعلام کرده‌اند که امنیت زیاد است و ۲۸,۶ درصد از کودکان در فضاهای عمومی شهر احساس ناامنی می‌کنند و بیان کرده‌اند که امنیت در شهر مشهد کم است.

۵۴,۳ درصد از کودکان به‌طور متوسط از امکانات و خدمات در مشهد برخوردارند، ۱۲,۱ درصد بیان کرده‌اند که امکانات در شهر مشهد برای کودکان کم است. ۳۳,۷ درصد از کودکان بیان کرده‌اند که در حد زیاد از امکانات در شهر مشهد برخوردارند.

۵۱ درصد از کودکان در حد زیاد احساس شادی و نشاط در شهر مشهد داشته و ۴۵,۸ درصد از کودکان به‌طور متوسط احساس شادی و نشاط داشته‌اند.

با توجه به آزمون t ، از مقایسه میانگین احساس امنیت در بین دختران و پسران، ملاحظه می‌شود که پسران (۵۹,۹ درصد) در شهر مشهد بیشتر از دختران (۴۳,۹ درصد) احساس امنیت می‌کنند. میانگین احساس شادی در بین دختران و پسران با اندکی تفاوت (حدود ۲ درصد) است. دختران ۶۶,۷۳ درصد و پسران ۶۸,۹۵ درصد احساس شادی داشته‌اند.

بر اساس سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0.001$) می‌توان گفت رابطه بین دو متغیر مستقل (شهر دوستدار کودک) و وابسته (احساس شادکامی) معنی‌دار بوده است و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را خواهد داشت.

به‌طور خلاصه نتایج رگرسیون چندگانه پژوهش به شرح ذیل است:

مشارکت اجتماعی کودک ۴۱ درصد بر احساس شادی کودکان تأثیرگذار است و با توجه به مثبت بودن رابطه و همچنین سطح معنی‌داری ($\text{sig} = 0.000$)، ($p < 0.05$) قرار دارد می‌توان نتیجه گرفت:

الف) بین مشارکت اجتماعی کودکان در فضای شهر مشهد و احساس شادکامی کودکان رابطه وجود دارد.

برخورداری از امکانات شهری به میزان ۱۲ درصد تأثیرگذار بر احساس شادی کودک است که این رابطه در جهت مثبت است.

ب) هرچه امکانات و خدمات در فضاهای عمومی در شهر مشهد افزایش یابد، احساس نشاط کودکان نیز افزایش می‌یابد.

احساس امنیت کودک ۱۱ درصد بر احساس شادکامی کودک تأثیرگذار است و در سطح معنی‌داری ($p < 0.05$) $sig = 0.010$ است.

ج) هرچه امنیت کودک در شهر بیشتر باشد، کودکان در شهر احساس شادکامی و نشاط می‌کنند.

احساس تعلق به شهر مشهد ۳۲ درصد بر احساس شادکامی کودک تأثیر می‌گذارد و در سطح معنی‌داری ($sig = 0.007$) است.

د) هرچه تعلق کودک به شهر بیشتر می‌شود، به احساس شادکامی و نشاط کودک نیز افزوده خواهد شد و برعکس.

کتاب‌نامه

- آرگایل، م. (۱۳۸۲)، روانشناسی شادی. (م. گوهری انارکی، ح. ط. نشاط دوست، ح. پالاهنگ و ف. بهرامی، مترجمان). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: دانشگاه تهران.
- جیمز، ای؛ جنکس، کی؛ پروت، ای. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دوران کودکی. (ع. ر. کرمانی و ع. ر. ابراهیم-آبادی، مترجمان). تهران: ثالث.
- جیکویز، جی. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. (ح. ر. پارسا و آ. افلاطونی، مترجمان). تهران: دانشگاه تهران.

۶. جعفری، ا؛ سیادت، ع؛ بهادران، ن. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر در شادابی مدارس. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*. ۴ (۱ و ۲). صص ۳۲-۴۰
۷. شیعه، ا. (۱۳۸۶). *آماده‌سازی شهر برای کودکان. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران*. تهران: مؤسسه نشر شهر.
۸. شارع پور، م. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: سمت.
۹. کامل نیا، ح. (۱۳۸۷). *تحلیل و بررسی تطبیقی رویکرد معماری جمعی از منظر روان‌شناسی محیط*. پایان‌نامه مقطع دکتری معماری. چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. کیانی، ا و اسماعیل‌زاده کواکی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان (مطالعه موردی: قوچان). *فصل‌نامه باغ نظر*. ۹ (۲۰). صص ۳۴-۴۰.
۱۱. گیدنز، ای. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۱۲. لینچ، کی. (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. (ح. بحرینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. منشادی، م. (۱۳۸۵). *توسعه پایدار در سایه‌روشن‌های شهر*. تهران: مفاخر.
۱۴. ماندل، ر. (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. هارت، ر. (۱۳۸۰). *مشارکت اجتماعی کودکان*. (ف. طاهری، مترجم). تهران: انتشارات اینوچنتی.
۱۶. هزارجریبی، ج. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی*. فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. (۳). صص ۳۵-۴۴.
17. Stoneham, A., & Aitken, J. (2011). *Statement of recognition of Penrith city's aboriginal and Torres Strait Islander cultural heritage*. Australia: Penrith City Council.
18. UNICEF. (2012). *Child friendly cities*. Retrieved from www.childfriendlycities.org
19. Corsi, M. (2002). *The child friendly cities initiative in Italy, environment and urbanization*, 14(2), 140-169.
20. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public places, urban spaces*. Oxford: Architectural Press.
21. Jenks, C. (1996). *Childhood*. London: Routledge.
22. Jacobs, J. (1965). *The death and life of great American cities*. New York: Random House.

23. Myers, D. G. (2002). *Happy and healthy*. Retrieved from <http://abclocal.g.com/68>
24. Hart, R.. (1992). *Children's participation: From tokenism to citizenship*. Italy: UNICEF International Child Development Centre.
25. Louv, R. (2006). *Last child in the woods*. North Carolina: Algonquin Books.
26. Qvortrop, J. (1993). *Childhood as a social phenomenon*. Vienna: The European Centre.
27. Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment & Urbanization*, 14(2), 45-58.
28. Whyte, W. F. (1943). *Street corner society*. Chicago: University of Chicago Press.

